

پارادایم توسعه و ناپایداری سکونتگاه‌های روستایی

عبرت محمدیان^{۱*}، محمدحسین رامشت^۲

۱. پژوهشگر پسادکتر، دانشگاه اصفهان

۲. استاد، دانشگاه اصفهان

DOI:10.22034/mpsh.2023.403019.1038

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۳۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۱۵

چکیده

گاه غفلت از پیشینه تاریخی طرح پارادایم‌ها موجب می‌شود که پژوهشگران ناخودآگاه به ترویج ایده‌هایی بپردازند که آن‌ها را از اهداف پژوهش خود دور می‌سازند. این غفلت سبب می‌شود که نخست آن پارادایم، علمی جهان‌شمول تلقی شود و در پی آن به پذیرش نظام‌هایی تن در دهند که مطلوب جامعه آن‌ها نیست. بنابراین، اجرای این نوع پارادایم‌ها می‌تواند نتایجی را به بار آورد که با اهداف پژوهشگران فاصله‌ای غیرقابل‌تصور داشته باشد. از جمله این پارادایم‌ها پارادایم "توسعه" است که از طرف مرکز پژوهشگاهی بنامی چون M.I.T مطرح شد که به طرح خیز روستو نیز مشهور است و از پشتیبانی‌های جانبی دانشگاه هاروارد (نظریه میسرا) در ایران برخوردار بود. هدف این پژوهش بازنگری مفهوم «توسعه» است که با روش تحلیل متن ژنتی در چهارچوب مکتب اصفهان انجام شد. نتایج این پژوهش نشان داد «توسعه» یک پارادایم است که در برابر پدیده‌ای خارج از مرزهای ایران بوده و در برابر مسأله‌ای مطرح شد که بیشتر نظام مدیریت امریکا در سطح بین‌الملل در آن زمان با آن مواجه بود. از اینرو اجرای آن در کشورهای بسیاری مانند ایران سبب ناپایداری در سازماندهی‌های اجتماعی و تولید در ایران شد. بطوریکه سازماندهی شهری و نظام مصرف انبوه را، جایگزین سازماندهی روستایی و در ایران قرار داد و آن را به نظام مصرف انبوه مبدل ساخت. گزاره‌های حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که:

* توسعه یک علم جهان‌شمول نیست بلکه یک پارادایم علمی است.

* پارادایم توسعه و ارائه آن راه‌حلی در برابر پاسخ به مشکل نظام مدیریت جهانی امریکا بوده است.

* اجرای این پارادایم در ایران مانند بسیاری از کشورها نظام تولید و سکونتگاهی را به کلی دگرگون ساخت.

* پژوهشگران ایرانی تلاش‌های بسیاری برای آبادانی ایران داشته و دارند، ولی چون در چارچوب این پارادایم توسعه حرکت می‌کنند، ایران با مشکلات بنیادی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مواجه شده و نتایج درخور توجهی به دست نیامده است.

واژگان کلیدی: اصلاحات ارضی، پارادایم توسعه، روستو، سازماندهی اجتماعی، هویت مکانی.

ebrrmohammadian@gmail.com

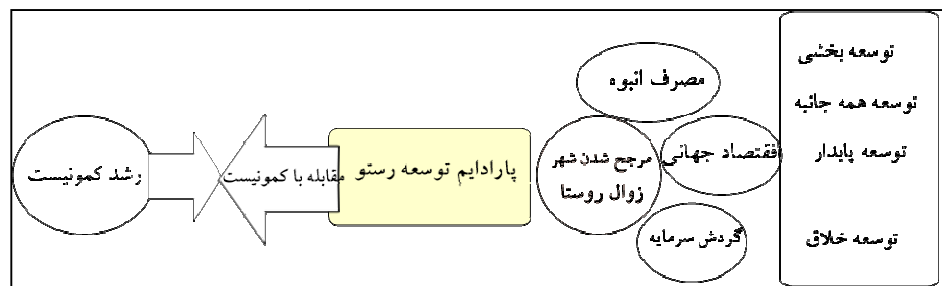
* نویسنده مسئول: عبرت محمدیان

مقدمه

در اواخر دهه سی خورشیدی با پایان یافتن جنگ جهانی دوم و به قدرت رسیدن حزب دموکرات در آمریکا، جهان دچار تحولات جدیدی شد که دو قطبی شدن جهان یا آغاز جنگ سرد از آن جمله بود. آمریکا به‌منظور جلوگیری از اندیشه و آموزه‌های کمونیسم و گسترش نظام سرمایه‌داری، نسخه طرح‌های اصلاحی را برای کشورهای توسعه‌نیافته مانند کشورهای آمریکای لاتین و خاورمیانه از جمله ایران پیچید. این طرح‌ها بنیان‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کشورهای توسعه‌نیافته را هدف قرار می‌داد و زمینه را برای ورود به دنیای سرمایه‌گذاری غربی باز می‌کرد. همزمان نیز شوروی تبلیغات گسترده‌ای را در راستای ترویج افکار کمونیستی در کشورهای دارای نظام ارباب-رعیتی آغاز کرد و از زندگی نابسامان دهقانان به‌عنوان بُرنده‌ترین ابزار تبلیغاتی خود

استفاده می‌کرد. پیروزی انقلاب کمونیستی در سال ۱۹۲۱م در چین نیز باعث شده بود نیمی از جمعیت جهان زیر پوشش سوسیالیسم قرار گیرد. این زنگ خطر، کارگزاران سیاست‌گذاری آمریکایی را مجاب کرد که برای جلوگیری از پیشرفت کمونیسم در جهان - به ویژه آن بخش از کشورهای توسعه‌نیافته که دارای نظام فئودالی بودند - اندیشه‌ای کرده و برنامه‌ای تدوین کنند که باعث خداحافظی دهقانان با روحیه انقلابی شود. ایران نیز در زمره کشورهایی بود که نظام ارباب-رعیتی در آن حاکم بود. بنابراین، سد حفاظتی در برابر انقلاب سرخ کمونیستی، راهکاری به نام برنامه اصلاحات بود. این برنامه توسط والت ویتمن روستو^۱ نظریه‌پرداز برجسته «توسعه» و مشاور امنیتی رئیس‌جمهور وقت آمریکا جان اف کندی بود که با همراهی ماکس میلیکان و گروهی از کارشناسان زبده صورت گرفت.

روستو پژوهشگر مرکز مطالعات بین‌المللی M.I.T بود. وی در کتاب خود با نام «مراحل رشد اقتصادی» (۱۹۶۰م)، نظر خود را درباره گذار از جامعه سنتی به جامعه صنعتی مطرح کرد که بیانیه‌ای غیر کمونیستی بوده و به مدل پنجگانه روستو یا مدل «توصیف مرحله‌ای رشد» موسوم است. نظریه پنجگانه روستو، مشهور به «نظریه خیز»، بر اساس گزارشی بود که روستو در کنفرانس انجمن اقتصادی بین‌المللی در شهر کنستانس در سپتامبر سال ۱۹۶۰م ارائه کرد. وی این نظریه را زمانی مطرح کرد که اوج جنگ سرد بین آمریکا و شوروی بوده و رقابت ایدئولوژیکی بین آن دو، همه محافل دانشگاهی و پژوهشگاهی را واداشته بود تا بیشتر وقت خود را صرف ارائه راهکارهای مختلف جهت مقابله با نفوذ بلوک مقابل کنند (شکل ۱). بی‌تردید مسأله کاربرد نظریه این پژوهشگر در برخی از کشورهای جهان از جمله ایران بی‌تأثیر نبوده است.



شکل ۱: خاستگاه پارادایم توسعه (منبع: نگارندگان، ۱۴۰۰)

پژوهشگران مرکز مطالعات بین‌المللی M.I.T، در اواخر دهه ۱۳۳۰ بر پایه مطالعات قاضی ویلیام او داگلاس آمریکایی در آذربایجان و استان‌های دیگر - طرح مفصلی که در وزارت خارجه آمریکا ارائه شد و تا ۱۵ سال مبنای اساس طرح‌های آمریکا برای ایران بود (بهنود، ۱۳۷۰: ۴۶۸) - و پژوهش کاترین سوائنفورد لمبتون^۲ که در قالب کتاب مالک و زارع نگاشته شده بود جامعه روستایی ایران آن زمان را در بحران ارزیابی کرده و برای پیشگیری از نفوذ کمونیسم طرح خیز را در قالب اصلاحات به دولت ایران تحمیل کردند.

اصلاحات ارضی^۳ مهم‌ترین رخداد در نظام مالکیت زمین در تاریخ معاصر ایران قلمداد می‌شود. پژوهشگران ایرانی و خارجی علل این رویداد و نتایج آن را با نگرش‌های سیاسی، تاریخی، جامعه‌شناسی، اقتصادی و جامعه‌شناسی تاریخی مورد مطالعه قرار دادند. وجه مشترک همه پژوهش‌های داخلی، بیان پذیرش تحمیلی آن از جانب کشور آمریکا در جلوگیری از نفوذ کمونیسم در منطقه

^۱ - Walt Whitman Rostow

^۲ - Ann Katherine Swynford Lambton

^۳ - Land reform

امروزه موضوع اصلاحات ارضی از موضوعی سیاسی به موضوعی تاریخی تغییر ماهیت داده است و بررسی بی‌طرفانه و جامع از آن امکان‌پذیر شده است (تنهایی، حضرتی، مختاری و کلاهدوزان، ۱۳۹۲).

خاورمیانه و به ویژه ایران بیان شده است. از مهم ترین نکات این طرح می توان به مشارکت نداشتن دهقانان در آغاز این اصلاحات اشاره کرد.

در طرح اصلاحات پیشنهادی، مفهوم اصلاحات ارضی تنها به وجه تغییر سیستم مالکیت زمین های کشاورزی یا تقسیم آن ها پرداخته بود. در حالی که هانتینگتون (۱۹۶۸م) معنای اصلاحات ارضی را «بهبود فنون کشاورزی، تجهیزات کشاورزی، کود، آیش، تناوب کشت، آبیاری و بازاریابی» تعریف کرده است. وی اصلاحات ارضی در ایران را تقسیم زمین یا دگرگونی در نحوه تصرف زمین با روش غیرانقلابی بیان کرده است (هانتینگتون، ۱۹۶۸: ۵۴۳). برنامه اصلاحات ارضی برنامه گسترده ای بود که به زندگی ۷۵ درصد از جمعیت کشور ربط داشت و نظم هزار ساله بین مالک و زارع، سبک و شیوه زندگی کشاورزان را به هم ریخت و دگرگون کرد (سادات بیدگلی، ۱۳۹۹).

به نظر برخی از پژوهشگران با توجه به شرایط و راهبرد سرعت و عجله مجریان در اجرای برنامه اصلاحات ارضی باید کمی در این مساله تأمل کرد. برنامه اصلاحات ارضی در مدت ۱۰ سال و در سه مرحله اجرا شد. از نکات قابل تأمل، مدت زمان آن است. برنامه ای که به زندگی ۷۵ درصد مردم ربط داشت، بازه زمانی ۱۰ سال برای اجرای آن مدت کوتاهی بود. زیرا هر برنامه اجرایی، زمانی برای باز خورد و پاسخ نیاز دارد تا بتوان به جنبه های مثبت و منفی آن اشراف پیدا کرد. بنابراین، با کمی تأمل می توان دریافت طرح اصلاحات ارضی، برنامه ای دیکته شده در برابر کمونیسیم بوده و نه برنامه ای برای توسعه و بهبود وضع کشاورزی و دهقانان. تنهایی و همکاران (۱۳۹۲) ناموفق بودن برنامه اصلاحات ارضی را در عدم برنامه ریزی صحیح، کنار رفتن مجریان و ایده پردازان اصلی طرح و اجرای ادامه آن را جهت رفع تکلیف و استفاده از برد تبلیغاتی طرح می دانند.

لمبتون، وابسته مطبوعاتی سفارت انگلستان در ایران، در سال ۱۳۳۱ خورشیدی (۱۹۵۲م) با پژوهش میدانی^۱ در سازمندی های روستایی روابط بین مالک و زارع را مشاهده و مسائل آن ها را از نظر اجتماعی، اقتصادی و حتی سیاسی از ورود اسلام به ایران تا دهه سی در مورد زمین داری بررسی کرد. وی تمام قوانین، عرف، سنت و شرع بکار رفته در سازمندی های روستایی در مورد مالک، زارع، زمین، باغ و مزرعه را در کتابی با عنوان مالک و زارع نگاهشته است که جامع ترین کتاب در مورد روابط مالک و زارع در دهه پیش از اصلاحات ارضی بشمار می رود. پس از مرحله دوم اصلاحات ارضی (پیش از مرحله سوم) لمبتون با بازدید از سازمندی های روستایی پیامدهای دو مرحله اصلاحات ارضی را در طی گذر چند سال، در کتاب اصلاحات ارضی در ایران آورده است. وی مسائلی مانند مرمت و لایروبی قنات ها که بر اثر سیل خراب شده بودند، تعمیر پمپ های آب و لایروبی کانال های آب که سبب اختلافاتی بین زمین داران پیشین و کشاورزانی که با اصلاحات ارضی صاحب زمین شده بودند، را مطرح کرد. بدین صورت که مالکان پیشین حاضر به پرداخت هزینه لایروبی قنات ها و کانال ها نبودند. همچنین مالکان جدید توانایی تأمین سرمایه برای خرید بذر، کود و ابزار آلات کشاورزی را نداشتند. یا مالکان پیشین با توانایی مالی، با حفر چاه های عمیق و نیمه عمیق دسترسی به آب را برای کشاورزان سخت تر می کردند (عمید، ۱۳۸۱). این موارد سبب نارضایتی کشاورزان و مالکان در مرحله اول و دوم اصلاحات ارضی شد. مجریان این برنامه بدون توجه به این مسائل، تنها به نوع و نحوه تقسیم زمین و زمین دار شدن کشاورزان توجه داشتند و توجه آن ها این بود که کشاورزان صاحب زمین شوند و در این راه با سرعت زیاد عمل می کردند.

پژوهشگران ایرانی نیز از دیدگاه های مختلف نتایج اصلاحات ارضی را در روستاها به صورت موردی مطالعه کردند. یکی از پیامدها که در بیشتر پژوهش ها مطرح شد، مهاجرت روستاییان به شهرها بود. پیامد مهم دیگر سلب مالکیت زنان در غرب کشور از زمین های کشاورزی یا نداشتن حق نسق زنان بود که جنبه منفی در طرح اصلاحات ارضی بشمار می رود (کریمی و رحمانیان، ۱۳۹۶: ۱۵).

^۱ - Field Research

صفی‌نژاد (۱۳۶۸) پیامدهای اصلاحات ارضی بر بُنه که شکلی از نظام بهره‌برداری از زمین بود را مطالعه کرد و فروپاشی بنه را از نتایج آن می‌داند. از همین نکته می‌توان دریافت که برنامه اصلاحات ارضی سرچشمه‌ای بیرون از مرزهای کشور داشته و هدف آن جلوگیری از نفوذ اندیشه و آموزه‌های کمونیسم در ایران و در اصل زمینه برای ورود نظام سرمایه‌داری به ایران بوده است و نه برای توسعه و پیشرفت روستاهای ایران.

حال این پرسش مطرح می‌شود که چرا برنامه‌ریزان کشور به برنامه اصلاحات ارضی به دیده یک پارادایم علمی نمی‌نگرند؟ و هنوز از آن انتظار توسعه و پیشرفت در روستاهای کشور را دارند؟

همه پژوهشگران اذعان دارند که نگاره‌های^۱ سرزمینی ایران «هویت مکانی^۲ های» متفاوت و گوناگونی دارند. شناخت و خوانش هویت مکانی توسط ساکنان هر کدام از این نگاره‌ها، سبب ایجاد مدنیت^۳ های ویژه‌ای شده است که فراورش‌های مدنی خاص خود را در هر زمینه دارند. به‌طور نمونه در نگاره‌های سرزمینی ایران در شیوه تولید، تنوع بسیاری بر حسب هویت مکانی وجود دارد که به چند مورد اشاره می‌شود؛ بُنه در ایران مرکزی، صحرا در خراسان، حراثه در کرمان و جوغ در کردستان از هویت مکانی آن نگاره‌ها گرفته شده‌اند. هر کدام از این‌ها دارای واحد سنجش زمین، آب و سایر عوامل ویژه خود هستند. درحالی‌که در برنامه اصلاحات ارضی هویت مکانی و تنوع تولید یا بهره‌برداری از زمین در نظر گرفته نشد. همچنین واحد سنجش زمین بین کشاورزان هر نگاره با برنامه اصلاحات ارضی همخوانی نداشت و موجب تفاوت‌هایی در تقسیم زمین بین کشاورزان شد. همین اشراف نداشتن بر واحد سنجش زمین در نگاره‌ها که دانگ بوده است و تعیین واحد سنجش در اصلاحات ارضی که هکنار بوده، یکی دیگر از مواردی بود که این برنامه برای توسعه روستا و کشاورزی با مشکل مواجه شد. بنابراین، توجه به ریشه‌های فکری اصلاحات ارضی و بنیان‌های نظری آن برای شناخت دگردیسی جامعه روستایی و شهری دیروز و امروز پس از اصلاحات ارضی ضرورت این پژوهش را روشن می‌کند.

بر اساس مطالعات انجام شده می‌توان بیان کرد که، طرح اصلاحات ارضی در زمان خود، یک پارادایم علمی به شمار می‌آمد که تأثیرات مثبت و منفی را برجای گذاشت. در این پارادایم تکثر و تنوع هویت مکانی نگاره‌های سرزمینی در نظر نگرفته شد و پیامدهایی را در برداشت که تا امروز همچنان باقی است. با توجه به پیشرفت در علوم شناختی به‌ویژه در مفهوم هویت مکانی نگاره-ها، لزوم بازنگری در بینش و دیدگاه نسبت به مفهوم توسعه ضرورت دارد که می‌تواند چراغ راه آینده برنامه‌های دیگر باشد. هدف این پژوهش نگاهی دوباره به برنامه توسعه در روستاها است که با چه دیدگاهی و بینشی ادامه دارند و آیا با هویت مکانی روستاها مطابقت دارند یا خیر.

داده و روش کار

در این پژوهش از داده‌های نقشه‌های توپوگرافی ۱:۵۰۰۰۰ سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح و اطلاعات نگاره‌های سرزمینی ایران از منابع کتابخانه‌ای مانند کتاب، مقاله و گزارش استفاده شد. در این پژوهش سه نوع منبع مورد تحلیل واقع شد: ۱. منابع موافق اصلاحات ارضی که بیشتر نتایج مثبت را بیان کرده بودند ۲. مخالفان اصلاحات ارضی با توجه به دیدگاه و ایدئولوژی خود که مخالف آن بودند ۳. ناظران بی‌طرف که غیر ایرانی بودند.

پژوهش حاضر در دستگاه معرفتی تأویلی^۴ و در چارچوب مکتب اصفهان^۱ و روش تحلیل متن ژنتی^۲ و روش گرنند تئوری^۳ برای بیان گزاره‌ها انجام شد. در این روش پیشینه ذهنی پژوهشگر و تجربه وی اساس این روش است و نتیجه، حاصل درک و فهم وی از

^۱ - Land context

^۲ - Space Identity

^۳ - در ژنومورفولوژی شناختی «هر مجموعه سکونت و اجتماعی که دارای نظام حقوقی، فرهنگی، مادی و کالبدی باشد مدنیت گفته می‌شود» (محمدیان، ۱۳۹۶: ۳۳).

^۴ - Paraphrastic epistemological point of view

این دستگاه معرفت‌شناسی در رساله دکتری محمدیان (۱۳۹۶) با عنوان نسبی‌گرایی در ژنومورفولوژی شهری بیان شد.

مسأله است. چهارچوب این پژوهش متکی به مکتب اصفهان است. مکتب اصفهان برگرفته از حکمت اشراقی، فلسفی و علمی بوده و برگرفته از دستگاه معرفتی تأویلی است. مکتب اصفهان در ژئومورفولوژی شناختی اصول و قواعد خاصی را محور قرار می‌دهد که برخی از آن‌ها عبارت است از:

۱. دید همدیدی یا سینوپتیکی^۴. در این مکتب کل مفهوم، مجزا از اجزاء مشکل خویش نیست و البته خود معنایی دیگر دارد (برخلاف دیدگاه سیستمی). رودخانه، قنات، سازمندی روستایی، شهری و ایلی و غیره همه در خلق فضا مشارکت داشته و فارغ از زمان به وجود آمدن و فرایندهای به وجود آورنده آن‌ها در چشم‌انداز فعلی نقش آفرین هستند و می‌توانند هویت‌ساز مکان امروز ما نیز باشند.

۲. «معناداری زمین». در ژئومورفولوژی شناختی فراتر از روش‌شناسی معمول تلاش می‌کند تأثیر فضا در نوع شناخت ساکنان یک سرزمین فهم و بر اساس این فهم به تحلیل پاره‌ای از مسائل مبادرت و الگوهای متفاوت این فهم از یکدیگر باز شناخته شوند.

۳. فضای فکری پژوهشگر را در دریافت‌ها و در تحلیل واقعیت‌های بیرونی ملموس و عینی، مؤثر دانسته و الگوی فهم را در چارچوب منطق زبان و فرهنگ اجتماعی او تحلیل می‌کند.

۴. گریز از استاندارد کردن شیوه پژوهش و نحوه فهم و درک مسأله. در این دستگاه روش تحقیق تقلیدی نیست، هر چند بهره‌مندی از تجربه‌های دیگران امری موجه است، اما روش امری تفهیمی است و نه تقلیدی.

۵. پژوهشگر شناخت نسبت‌ها را بیانگر تعادل، نظم، هماهنگی و هم‌آوایی عناصر متن با این در محیط دانسته و پایداری را زاییده چنین فهمی از محیط می‌داند (محمدیان، ۱۴۰۰).

بحث و یافته

در حوزه دانش فضای جغرافیا یک پارادایم است و نه یک علم جهان‌شمول اما بسیاری از پژوهشگران علوم اجتماعی و جغرافیا توسعه را یک علم جهان‌شمول معرفی کردند. آن‌ها در مورد جنبه‌های کمی توسعه به صورت یک علم پژوهش کرده‌اند و از این نکته غافل شده‌اند که توسعه یک پارادایم است که در زمان خود مطرح شده و می‌تواند هم‌زمان یک پارادایم مخالف یا رقیب هم داشته باشد.

پارادایم توسعه، مانند هر پارادایم علمی دارای دکرترین و اهدافی است. خاستگاه اصلی پارادایم توسعه یک موضوع سیاسی بود ولی اجرای این تصمیم سیاسی در قالب و شیوه‌ای اقتصادی به اجرا گذارده شد. بنابراین، اصول و شاخص‌های تعریف‌شده برای چنین پارادایمی همگی در چهارچوب مبانی اقتصادی و گاه فرهنگی ارائه می‌شد. به سخن دیگر، یک مسئله سیاسی با دکرترین اقتصادی طراحی و به اجرا گذارده شد. این موضوع می‌توانست چند مزیت به دنبال داشته باشد: ۱. سیاسی بودن مسائل معمولاً حساسیت رقبا را به دنبال دارد ۲. جذابیت اقدامات اقتصادی اغلب برای مردم عادی بیشتر و فهم عقبه سیاسی آن برای آن‌ها کمتر روشن است.

اهداف پارادایم توسعه عبارتند از: ۱. تاریخ‌سازی تکوین جوامع بشری ۲. طرح سنتی زیستن و مدرن زیستن ۳. تغییر ساختار تولید ۴. تدوین زنجیره ناقص تولید (شکل ۲).

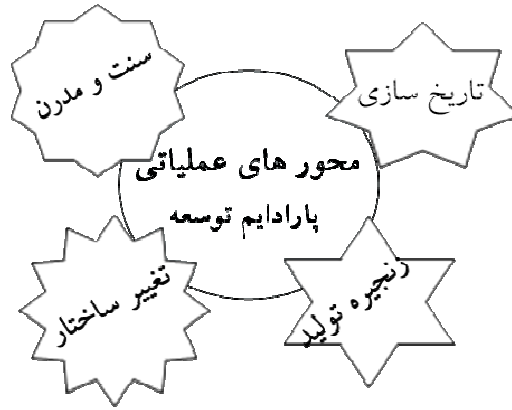
¹ - Isfahan school

پایه‌گذار مکتب اصفهان را می‌توان شیخ بهایی دانست که از تحرک اندیشه میرفندرسکی و ملاصدرا بهره جست و منجر به طرحی نو در فلسفه تحت عنوان «حکمت متعاله» شد. اصول این مکتب برای نخستین بار در رساله دکتری سلگی (۱۳۹۹) تدوین شد.

² - Genette

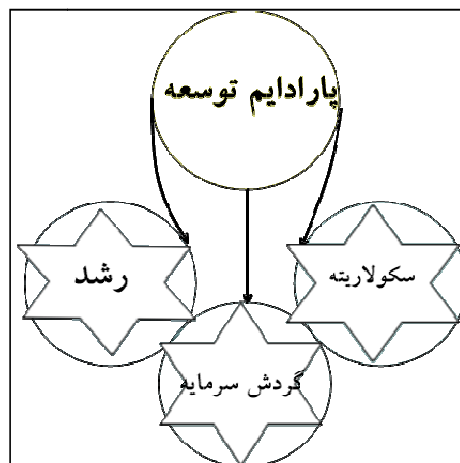
³ - grounded theory

⁴ - Synoptic vision



شکل ۲: محورهای عملیاتی تحقق پارادایم توسعه در کشورهای جهان سوم
(منبع: نگارندگان، ۱۴۰۰)

در این پارادایم، توسعه مترادف با رشد اقتصادی در نظر گرفته می‌شود و بر سه پایه «اغنا و اغوا»، «رشد» و «گردش سرمایه» قرار دارد (شکل ۳). رشد، موتور محرکه این پارادایم است و به همین خاطر آمار توسعه یک کشور با شاخص رشد اقتصادی و معیارهایی مانند بالا رفتن درآمد سرانه و تولید ناخالص ملی و غیره بیان می‌شود. غالب پژوهشگران نیز در ارزیابی و سنجش توسعه‌یافتگی، چنین شاخص‌هایی را ملاک مقایسه توسعه مناطق در نظر می‌گیرند و تقریباً می‌توان گفت همه پژوهش‌هایی که در ایران توسط پژوهشگران اجتماعی، اقتصادی و جغرافیایی صورت می‌گیرد از چنین چهارچوبی پیروی می‌کند. رکن دیگر این پارادایم اغنا و اغوا است. بسته‌هایی که با عنوان توسعه برای کشورهای جهان سوم تدارک می‌شود اغلب با اسامی فریبنده و جاهت علمی مانند دوره نوسازی، اصلاحات اجتماعی، مدرن‌سازی اجتماعی و اقتصادی عبور از سنت، علم‌گرایی، نوگرایی و مدرنیسم ارائه شده است. همه این تلاش‌ها برای آن است که به هر حیل و ترفندی مخاطبان خود را مجاب به پذیرش و اجرای این پارادایم نمایند. رکن سوم این پارادایم پذیرش «نظام گردش سرمایه» است. این پارادایم تنها در چنین نظامی امکان رشد و تجلی خواهد داشت و بسیاری از صاحب‌نظران و طرفداران این پارادایم معتقدند بدون پذیرش نظام گردش سرمایه و نظام جهانی تجارت امکان توسعه‌یافتگی وجود نخواهد داشت.^۱



شکل ۳: پایه‌ها و مبانی اصلی پارادایم توسعه
(منبع: نگارندگان، ۱۴۰۰)

^۱ - از جمله رنالی، سریع القلم و زیبا کلام در ایران

اصلاحات ارضی که در قالب انقلاب سفید در ایران به اجرا درآمد یک پارادایم توسعه بود. هدف این پارادایم سدی در مقابل نفوذ کمونیسم به ایران بود و دکترین آن ورود نظام سرمایه‌داری به ایران است. نتیجه این دکترین زوال سازماندهی‌های روستایی و ارجحیت شهر و شهرنشینی، محور اصلی این پارادایم بود.

تا قبل از برنامه اصلاحات ارضی، هویت مکانی نگاره‌های سرزمینی و درک و خوانش آن توسط ساکنان هر نگاره، شرایط را برای همکاری جمعی آن‌ها از گذشته‌های دور مهیا می‌کرد. کریستال‌های زیستی^۱ مانند بُنه، صحرا و حراثه نمونه‌هایی از این نهادهای همکاری جمعی هستند. این شیوه تولید کشاورزی به صورت پلکسوسی^۲ بوده که تمام اجزای آن درهم تنیده و بافته شده بود و یک نظامی بر اساس هویت مکانی ایجاد می‌کرد. یکی از اجزاء مهم این پلکسوس مالک یا ارباب بود که نقش برنامه‌ریز همکاری جمعی را ایفا می‌کرد و رگ حیات آن بود. در برنامه اصلاحات ارضی این جز مهم حذف و یا خارج شد (کیان، یوسفی و حسینی، ۱۳۹۹) و جایگزینی برای آن معرفی نشد. در نتیجه کریستال‌های زیستی بُنه، صحرا و حراثه دچار بهم‌ریختگی و از هم گسیخته شدند. مالک غیر از برنامه‌ریزی، دارای سرمایه نیز بود که آن را در مرمت و لایروبی سامانه آبیاری و تهیه بذر بکار می‌برد. با حذف آن نابودی این نوع کریستال‌ها رقم زده شد. شاید عنوان شود که شرکت‌های سهامی زراعی و واحدهای تعاونی تولید و شرکت‌های کشت و صنعت جایگزینی برای شیوه قدیمی کریستال‌های زیستی مثل بُنه شده بود. باید توجه داشت که این نوع شرکت‌ها، در چارچوب سازماندهی اجتماعی^۳ روستایی ایران تعریف نشده بود. زیرا این شرکت‌ها سیستمی سرمایه‌داری داشته و دارای پیشینه تاریخی در هویت مکانی ایران و سازماندهی‌های روستایی نداشتند. در حالی که کریستال‌های زیستی نظیر بُنه، صحرا و حراثه بر اساس همیاری و عدالت اجتماعی اداره می‌شدند. وثوقی (۱۳۸۲) در پژوهش «یکپارچگی اراضی: تجربه‌ای ناموفق در چارچوب طرح‌های دولتی اما موفق در قالب دانش بومی» مطالعه‌ای را انجام داده که نشان داد این شرکت‌ها و تعاونی‌ها بعد از انقلاب به نتایجی نرسید و از گردونه تولید خارج شدند. وی در این پژوهش، نمونه موفق را از بخش سربند اراک نام می‌برد که روستاییان با توجه به هویت مکانی و پیشینه همکاری جمعی توانستند اراضی کشاورزی بسیار پراکنده و قطعه‌قطعه خود را یکپارچه سازند. این نمونه فارغ از هرگونه بوروکراسی اداری و بر اساس خرد عاطفی انجام شده است و البته در مواردی از کمک و راهنمایی مروجین کشاورزی (بینش علمی) نیز یاری گرفتند. کیان، یوسفی و حسینی (۱۳۹۹) در پژوهشی نشان دادند که انجام اصلاحات ارضی در مناطقی که دارای بُنه بودند، بر سرانه میزان تولید محصولات کشاورزی اثر منفی داشته است که به‌طور تقریبی کاهش بین ۵۱ تا ۴۰ درصد را نشان می‌دهد. این برنامه تضعیف مشارکت کشاورزان در روستاها را کاهش داد و همین امر با سایر عوامل تولید ارتباطی مستقیم داشت. همچنین در مورد حذف کدخدا حسینی ابری (۱۳۸۰) در پژوهشی عنوان کرد: هیچ‌یک از نهادهای مدیریتی مانند شورا و دهیاری پس از کدخدا نتوانسته‌اند جای خالی او را پر کنند و مسائل روستایی را پوشش دهند.

همان‌طور که در مقدمه اشاره شد یکی دیگر از مسائلی که از نظر دور ماند و کمتر پژوهشگری به آن پرداخت مالکیت زمین کشاورزی زنان بود که در برخی نگاره‌های ایران مانند غرب کشور در کردستان و ایلام وجود داشت و کرمی (۱۳۹۶) به آن پرداخت. در اصلاحات ارضی برای هر فردی که حق نسق داشت، زمین تعلق می‌گرفت. حق نسق در اصلاحات ارضی برای مرد تعریف شده بود و مالکان زن چون به‌طور شخصی روی زمین کار نمی‌کردند از حق نسق محروم شدند و زمین‌های خود را از دست دادند. این دسته از زنان گاه به‌جای مهریه و صداق یا از راه ارث مالک قطعه زمین شده بودند و به روش اجاره‌داری زندگی می‌کردند. در اصلاحات ارضی این زمین‌ها مشمول اصلاحات شدند و زمین از مالکان زن گرفته شد سبب نابودی زندگی و آشفته‌گی روحی این زنان شد که پیامد آن خودکشی به صورت (خودسوزی) عیان شد (کرمی و رحمانیان، ۱۳۹۶: ۶).

^۱ - کریستال واژه‌ای فرانسوی بوده و در علم شیمی و زمین‌شناسی معادل فارسی آن بلور است. در دانش جغرافیا کریستال زیستی به مفهوم رشد و زایش تبلور حیات در فضا است و به تعیین میزان توانمندی حیات هر هویت مکانی و تعیین حدود تعادلی آن‌ها می‌پردازد.

این موارد در این پژوهش به‌عنوان نتایج اصلاحات ارضی یا پارادایم توسعه عنوان شد. هرچند مسائل دیگری نیز در نگاره‌های سرزمینی کشور وجود دارد که به‌صورت موردی توسط پژوهشگران مطرح شده و هنوز حل نشده‌اند. بنابراین، باید پارادایم دیگری مطرح شود که از جوف هویت مکانی کشور ایران برخاسته و آمایش و آبادی را در هر نگاره به فراخور هویت مکانی آن ارائه دهد.

نتیجه‌گیری

با این مطالعه مشخص شد آنچه در پارادایم توسعه که با برنامه اصلاحات ارضی پیش رفت دو اندیشه اسطوره‌ای خارجی ۱. انقلاب دهقانی یا کمونیستی و ۲. توسعه سرمایه‌داری بود. بدین ترتیب می‌توان بیان کرد: پدیده اجرای برنامه اصلاحات ارضی خارج از چارچوب برنامه‌های توسعه کشور بود و بر اساس هویت مکانی و شناخت سازماندهی‌ها نبوده است. برنامه توسعه اصلاحات ارضی نه تنها در چیدمان فضای سکونتگاهی ایران که در تغییر ماهیت فعالیت ساکنان نگاره‌های سرزمینی نیز تأثیر بنیادی داشته است. به‌گونه‌ای که هویت مدنی و تاریخی ایران به دیده اغماض پنداشته شد. در این برنامه شهرنشینی آخرین مرتبت مرجع زیستگاه بشری تعریف شد و این بدان معنی است که دیگر صور سازماندهی‌های اجتماعی مانند روستایی، ایلی، هوتک‌نشینی و نیمه کوچ‌نشینی در یک سیر زمانی، متروک و نابود شده، نمایش داده می‌شوند. مرجحیت شهری سبب اصلاح تقسیمات کشوری، پیدایش کلان‌شهرها، افزایش تعداد شهرها و رونق صنایع تولیدی در شهرها شد. پیامدهای اجرای برنامه اصلاحات ارضی در سازماندهی‌های روستایی، خالی شدن روستاها از سکنه، مهاجرت از روستا به شهرها، رکود کسب‌وکار روستایی، ماشینی شدن کشاورزی، سقوط اربابان زن، خرد شدن زنان خرده‌مالک، نابرابری زنان روستایی-شهری و رشد مالکیت حقوقی کشور بود. در این پژوهش به‌خوبی آشکار شد که آنچه به‌عنوان توسعه مطرح شده، در واقع یک پارادایم است که می‌توان آن را در قلمرو دانش فضا مطرح کرد و هرگز توسعه را نباید یک دانش جهان‌شمول تلقی کرد.

نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد که:

- * توسعه یک علم جهان‌شمول نیست بلکه یک پارادایم علمی است.
- * پارادایم توسعه و ارائه آن راه‌حلی در برابر پاسخ به مشکل نظام مدیریت جهانی امریکا بوده است.
- * اجرای این پارادایم در ایران مانند بسیاری از کشورها نظام تولید و سکونتگاهی را به کلی دگرگون ساخت.
- * پژوهشگران ایرانی تلاش‌های بسیاری برای آبادانی ایران داشته و دارند، ولی چون در چارچوب این پارادایم توسعه حرکت کرده‌اند، ایران با مشکلات بنیادی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مواجه شده است.

قدردانی

مقاله حاضر برگرفته از طرح شماره ۹۸۰۰۵۵۰۵ با عنوان «هویت مکانی، سکونت و نظام سکونتگاهی در سرزمین ایران» است که از پشتیبانی معنوی و مادی صندوق حمایت از پژوهشگران و فناوران کشور برخوردار است، بدین وسیله از آن صندوق سپاسگزاری و قدردانی می‌شود.

منابع

- آبادیان، حسین (۱۳۹۷). اصلاحات ارضی و تبعات اجتماعی مهاجرت روستائیان به شهر تهران، دو فصلنامه علمی-پژوهشی تحقیقات تاریخ اجتماعی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال ۸، شماره ۲، ص ۲۰-۱.
- آبادیان، حسین، معصوم یاراحمدی، علی‌رضا صوفی، مهدی صلاح (۱۳۹۷). تبعات اجتماعی گسترش طبقه متوسط جدید در ایران (۱۳۵۷-۱۳۴۲)، فصلنامه علمی-پژوهشی تاریخ اسلام و ایران، سال ۲۷، شماره ۳۶، پیاپی ۱۲۶، ص ۳۱-۹.
- اکبری، محمدعلی، سعید لیلانز مهرآبادی (۱۳۸۹). تأثیر برنامه عمرانی سوم (۱۳۴۶-۱۳۴۱) در کشاورزی ایران، تاریخ ایران، شماره ۶۵/۵، ص ۲۲-۱.

- برزین، سیدصاحب، علی‌رضا علی‌صوفی (۱۳۹۶). بررسی پیامدهای اصلاحات ارضی در استان فارس (مطالعه موردی، روستای قلات)، پژوهشنامه تاریخ‌های محلی ایران، سال هفتم، شماره اول، پیاپی ۱۳، ص ۱۴۴-۱۲۹.
- تهایی، حسین ابوالحسن، زهرا حضرتی، مصطفی مختاری، هاجر کلاهدوزان (۱۳۹۲). بررسی پیامدهای سیاسی اصلاحات ارضی در ایران و تأثیر آن بر ساختار سیاسی دهه ۵۰ خورشیدی، فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد شوشتر، سال هفتم، شماره دوم، پیاپی (۲۱)، ص ۲۲۰-۱۷۹.
- حسینی ابری، سیدحسن (۱۳۸۰). کدخدای، تحقیقات جغرافیایی، دوره ۱۶، شماره ۱ (۶۰)، ص ۶۴-۵۱.
- خرم‌شاه، محمدباقر، محمدجواد موسی‌نژاد (۱۳۹۶). دولت پهلوی، اصلاحات ارضی و نظریه توسعه روستو، فصلنامه علوم اجتماعی، سال ۲۶، شماره ۷۶، ص ۱۷۶-۱۴۵.
- رامشت، محمدحسین، عبرت محمدیان (۱۳۹۹). اندیشه‌های نظری در ژئومورفولوژی، ویراستار سوسن انوری، چاپ اول، تهران، نشر دانشگاهی.
- رحمانیان، داریوش، محمدجواد عبدالهی (۱۳۹۶). از بیکاری پنهان به بیکاری آشکار، تأثیر اصلاحات ارضی در به رسمیت شناختن بیکاری، تحقیقات تاریخ اجتماعی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال هفتم، شماره اول، ص ۱۰۹-۱۳۵.
- سادات بیدگلی، سید محمود (۱۳۹۹). تحلیل نقش کمسیون امنیت اجتماعی در جریان اصلاحات ارضی، فصلنامه تحقیقات تاریخی، و مطالعات آرشیوی، سال ۳۰، دفتر ۳، ص ۵۳-۳۰.
- سلگی، لیلا، محمدعلی زنگنه اسدی، عبرت محمدیان (۱۳۹۹). پدیدارشناسی در ژئومورفولوژی، (نمونه موردی: سیستم فرم‌زای بادی در چاله سبزوار)، رساله دکترا، اساتید راهنما: محمدعلی زنگنه اسدی - محمدحسین رامشت، دانشکده جغرافیا و علوم محیطی، دانشگاه حکیم سبزواری.
- صفی‌نژاد، جواد (۱۳۶۸)، نظام‌های زراعی سنتی در ایران، چاپ اول، انتشارات امیرکبیر، تهران.
- علیپوریان، طهماسب، احد نوری اصل، حیدر شهریاری (۱۳۹۵). تحلیل اصلاحات ارضی ایران (دهه ۱۳۴۰) بر مبنای روش‌شناسی ساختار-کارگزار، فصلنامه تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء، سال ۲۶، شماره ۳۱، پیاپی ۱۲۱، ص ۱۷۶-۱۵۱.
- قلیزاده، محمدرضا، حبیب‌اله سعیدی‌نیا، علی شهوند (۱۳۹۷). یک نمونه از موانع بر سر راه اصلاحات ارضی، قتل رئیس اصلاحات ارضی فیروزآباد در آبان ۱۳۴۱، فصلنامه تحقیقات تاریخی و مطالعات آرشیوی، سال ۲۸، دفتر ۴، ص ۸۷-۵۲.
- کرمی، شایان، داریوش رحمانیان (۱۳۹۶). اصلاحات ارضی و مسئله سلب مالکیت از مالکان زن (۱۳۵۱-۱۳۴۱ش)، مطالعه موردی غرب ایران، فصلنامه تحقیقات تاریخی و مطالعات آرشیوی، سال ۲۷، دفتر دوم، ص ۳۱-۶.
- کیان، رضا، کوثر یوسفی، محمد حسینی (۱۳۹۹). بررسی اثر اصلاحات ارضی و از بین رفتن بنه بر تولید کشاورزی ایران، نشریه علمی (فصلنامه) پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، شماره ۹۵، سال ۲۸، ص ۱۰۸-۵۵.
- لمبتون، کاترین سوائنفورد (۱۳۶۲). مالک و زارع، ترجمه منوچهر امیری، چاپ سوم، ناشر انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
- متولی حقیقی، یوسف (۱۳۸۶). دولت امینی و اصلاحات پیشنهادی آمریکا، پژوهشنامه تاریخ، سال سوم، شماره ۹، ص ۱۵۷-۱۳۷.
- محمدیان، عبرت (۱۳۹۶). نسبی‌گرایی در ژئومورفولوژی شهری، نمونه موردی منطقه شهری اهواز، رساله دکتری، اساتید راهنما امیر صفاری، محمدحسین رامشت، دانشگاه خوارزمی.
- محمدیان، عبرت (۱۴۰۰). هویت مکانی، سکونت و نظام سکونتگاهی در سرزمین ایران، طرح پسادکتر، صندوق حمایت از پژوهشگران و فناوران کشور.
- موتقی، سید احمد (۱۳۸۳). توسعه، سیر تحول مفهومی و نظری، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۶۳، ص ۲۵۲-۲۲۳.
- هانتینگتون، ساموئل (۱۹۶۸). سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی، مترجم محسن ثلاثی، چاپ هفتم، نشر علم، تهران.